

## کارهای بر زمین مانده در حوزهٔ پردازش داده‌های علمی و کتابخانه‌ای



امروز جمعه، مراسمی با حضور شماری از عالمان و فرهیختگان در محل کتابخانه تخصصی ادبیات به مناسبت بیستمین سال گشایش این کتابخانه تشکیل شد، و بنده هم فرصتی داشتم تا در باره وضع کتابداری و نیازهای جدید مان صحبت کنم. امیدوارم مورد استفاده عزیزان خواننده قرار گیرد.

از این که در محضر شماری از علمای حوزوی و برخی از مسؤولان مراکز علمی این شهر هستم، خوشحالم. می‌خواهم همین را بهانه کرده نکاتی را درباره کارهای بر زمین مانده در حوزه کتابداری و اطلاع رسانی، به خصوص بحث ارزیابی علمی نوشته‌ها و مقالات عرض کنم.

نکته اول بنده این است که ما از هر شیء یا سیستم یا تفکری که از غرب آمد، به تدریج استفاده کردیم و با مقاومت‌هایی که داشتیم، هم دیرتر آشنا شدیم، هم مجبور به تغییر شکل و محتوای آن شدیم و هم فرهنگش را درست درک نکردیم. من توجه دارم که غرب چیزهای مزخرفی دارد که به فرهنگ ما سازگار نیست و حتما نباید بگیریم، اما نمی‌دانم در وقت انتخاب، باید چه روشی را پیشه کنیم تا سریعتر در باره انتخاب یا عدم انتخاب تصمیم بگیریم، و اگر قرار بر انتخاب شد، زودتر تصمیم بگیریم تا خسارت ناشی از عدم استفاده از آن را از خود دور کنیم.

یکی از مسائلی که اکنون محل ابتلای ما شده همین بحث کتابخانه است. ما از قدیم کتابخانه داشته‌ایم، اما در این صد سال، مجبور به طراحی کتابخانه‌های نوین شدیم. یکی از مهم‌ترین مسائل، نظامات داخلی کتابخانه‌ای بوده که همگی برای دسترسی بهتر برای مراجعین طراحی شده است. این که مثلا اشیاء داخل کتابخانه، از کتاب خطی، چاپی، آن هم سنگی یا سربی، و یا نشریه و سند و پایان نامه و غیره را جدا نگه داری کنیم، این که چطور آنها را فهرست کنیم، چیدمان آنها در کتابخانه چگونه باشد که راحت تر بتوان به آنها دسترسی پیدا کرد، این که چه اطلاعاتی از یک شیء در فهرست ثبت شود تا مراجعه کننده بهتر راهنمایی شود و به مطلوب خود برسد. علم کتابداری که از قدیم هم مطرح بوده و ما عنوان کتابدار را دست کم از دوره صفوی داریم، اکنون به صورت یک علم جدی در آمده و حالا به تدریج عنوان «کتابداری و اطلاع رسانی» درست شده است.

از حیث محتوا مسائل دیگری داریم که آنها هم اهمیت دارد. یک نکته مهم این است که ما از قدیم «کتاب» و «رساله» یعنی مقاله داشتیم. هر دوی اینها برای ما مهم بود. در ایران دو سه قرن اخیر، کتاب اهمیتی بیش از رسائل داشت، با این که به نظرم در قرون اولیه، دست کم ارزش اینها برابر بودند. اکنون دوباره این سوال مطرح شده است که کتاب چه نقشی در سیر معرفتی ما دارد و رساله یا مقاله چه جایگاهی دارد و این که کدام یک اهمیت بیشتری دارند. تا حدود یک دهه قبل، کتاب برای اعتبار علمی استادان مهم بود، اما اکنون مقاله مهم تر شده است. دلایل این امر هر چه هست، الان اتفاق افتاده اما به نظرم بسیاری از ما به نظر تردید به این مساله می‌نگریم و عقیده ای به آن نداریم. مقصود این است که اگر نقش مقاله در توسعه مهم تر است، ما چه برنامه ویژه ای برای آن داریم. متأسفانه هنوز بحث از «کتاب سال» است نه مقاله سال.

به نظر می‌رسد، به تدریج، و به عقبه الامر، و به زور به ما فهمانده شده که مقاله مهم تر است و حالا به این نتیجه رسیدیم که باید مجلات را توسعه دهیم. یک وقتی در قم، پنج مجله هم نبود، حالا بیش از صد مجله منتشر می‌شود. اینجا کمیت مهم است و نشان می‌دهد که توجه ما به مقاله و مجله معطوف شده است. البته مقاله و کتاب هر دو می‌توانند درجه بندی شوند، اما جنس مقاله برای علم اهمیت بیشتری یافته است. اکنون یک سوال مشترک هست، ما مقالات را چگونه و چطور فهرست می‌کنیم و با چه شاخص‌هایی آنها را ارزیابی می‌کنیم، و مهم تر این که چطور از هرزنویسی در کتاب و مقاله جلوگیری می‌کنیم. سوال این کار چه ربطی به کار کتابخانه ای ما و رشته کتابداری ما دارد؟ آیا ما این کارها را علمی می‌دانیم یا فقط به عنوان یک مخزن دار و کتابدار از آنها نگه داری می‌کنیم؟

کتابداری قدیم یعنی کتابداری بدون کامپیوتر، فقط می‌توانست در چینش کتابها و با اِعمال نظر کتابدار، گزینشی و مرتب باشد. تمام سیستم‌های کتابداری رایج از دیوبندی تا کنگره، برای این بود که بتواند به مراجعه کننده، درست سرویس بدهد و او مطلوبش را در میان صدها هزار بلکه میلیونها بیابد. اما دایره این کار محدود بود تا اینجا تحول بزرگی رخ داد.

اکنون چند سالی است که رایانه و فضای مجازی به کمک کتابخانه‌ها آمده است. گرفتن تصویر از مقاله و کتاب به صورت میکروفیلم سابقه دارد و بیشتر برای کتابهای خطی و کمیاب استفاده می‌شد. به تدریج، با پیشرفت علم و پدید آمدن رایانه‌ها، امکان گرفتن تصویر از کتاب و قراردادن آن در دیسک‌های نوری فراهم آمد. اکنون و بی مقدمه، به گونه‌ای شده است که میلیونها کتاب و مقاله را می‌توان در سرورها حفظ و با درست کردن فهرست و نمایه برای آنها، به متنشان دسترسی داشت. ما در آغاز - و تاکنون - نگاهمان به این ماجرا، به صورت یک بانک اطلاعات بوده و هست و از امکانات شگفت این کار برای نوعی کتابداری و اطلاع رسانی جدید که بتواند به توسعه علم کمک کند، غافل بوده و هستیم.

همیشه مهم بود که یک مراجعه کننده، به چه کتابی ارجاع دهد، و روشن شود که مرجع او چه اندازه اعتبار دارد؟ ما چه راهنمایی برای او می‌توانیم بکنیم؟ تنها راه این بود که کتابخانه مان را گزینشی و دقیق انتخاب کنیم و چیدمان به طوری باشد که او بتواند از آن درست استفاده کند. اما اکنون ماشین هوشمندی آمده که می‌تواند این کار را دقیق تر انجام دهد. سوال این است که «این کار» یعنی چه؟ چطور می‌توانیم با استفاده از این ماشین و تخصص اطلاع رسانی، بهترین مقالات را انتخاب کنیم، آنها را درجه بندی کنیم، مهم این است که نشان دهیم، نوشته‌ها، یعنی کتاب و مقاله، به چه روش‌هایی ارزیابی می‌شود؟ برای این کار، نظریاتی از اواسط قرن بیستم شکل گرفته و به تدریج به صورت منظم تر و تعریف شده تر، پیشرفت کرده و با استفاده از امکانات ماشینی در اوائل قرن بیستم و یکم یعنی دو دهه گذشته، به یک یا چند مدل جدی علمی درآمده است.

نظریه «تأثیر» که در سال ۱۹۵۵ میلادی توسط اوژن گارفیلد مطرح شد، یکی از بنیادی ترین نظریات در این زمینه است. در اینجا بحث از این است که یک کتاب یا مقاله، چه تأثیری بر امر پژوهش و توسعه علم دارد. سنجش این تأثیر با روش‌های مختلف کمی و کیفی، طی این چند دهه محل بحث بوده و منجر به نوعی علم سنجی شده است. این دانش، و به رغم بحث‌های فراوان، مخالفت‌ها و موافقت‌ها با مدل‌های مختلف، اکنون به صورت یک رویه درآمده است، رویه‌ای که تقریباً هیچ دانشگاه بزرگی در دنیا، از آن رویگردان نبوده و به یکی از این مدل‌ها پای بند است. بدین ترتیب کتابداری به صورت یک فن کاملاً علمی در آمده و نوعی تخصص بین رشته‌ای میان دانش کامپیوتر و کتابداری شده است.

مع الاسف ما هنوز از آن مرحله عقب هستیم و عمدتاً در حال دیجیتال سازی کور و بانک‌های اطلاعاتی هستیم که تفاوت زیادی با کتابخانه‌های کاغذی قدیم ما ندارد. هزاران کتاب در هر کتابخانه اسکن شده، و صدها هزار مقاله هم، یک زمانی، فهرست کردن مقالات فارسی در موضوعات تعریف شده، مهم بود که مرحوم افشار آن کار را انجام داد و برای چند دهه ما را آسوده کرد، اما امروزه کار آسان تر و در عین حال تخصصی شده و آن ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی یکپارچه، با موتورهای جستجوی با توان بالا از لحاظ کمی و کیفی، و برنامه جدی برای علم سنجی در آنهاست. درست در همین شرایط به دلیل نبودن پایگاه‌های اطلاعاتی منسجم و یکپارچه در کشور ما، فهرست نشدن کامل مقالات قدیم و جدید، نتوانستیم بدرستی این مسیر را را پیش برده و از آنها در توسعه استفاده کنیم، و مهم تر از آنها این که هیچ نوع روش استنادی و کاوشی در تعیین ارزش هر کدام از مقالات و مجلات و کتابها نداریم.

در این شرایط سنتی، یک نفر مجبور است هزاران مقاله را بخواند تا ببیند کدام یک از آنها به کارش می‌آید، در حالی که علم سنجی بر اساس روش استنادی به ما می‌گوید که هر مقاله چه جایگاهی دارد، از چه مستنداتی استفاده کرده و روی آثار بعدی، چه تأثیری گذاشته است. طبعاً لازم نیست شما هر مقاله‌ای را در حوزه مورد علاقه خود، ملاحظه و بررسی کرده وقت خود را تلف کنید. این نوع کاربری و استفاده، صرفاً به این نیست که تصویر

دیجیتالی آن را در هارد خود ذخیره کنیم و بگوییم ما میلیونها مقاله و کتاب در سرور و هاردمان داریم، بلکه بحث مهم، ایجاد نوعی پیوستگی علمی میان مقالات و کتابها، علم سنجی روی آنها، و ایجاد فضای مناسب برای شناخت و ارزیابی مقالاتی است که در حال تولید است.

نکته مهم این است که جایگاه تأثیر یک مقاله روی توسعه علم در آن زمینه ارزیابی شود تا ما بتوانیم در یک خط مستقیم پژوهش به کارمان ادامه دهیم و علم را به پیش ببریم. ما باید توانایی این را داشته باشیم تا بین آنچه روزانه تولید می شود، با منابع آن ارتباط برقرار کنیم و از تأثیر آن روی آثار بعدی مطلع شویم. مهم ارزیابی این مقالات (و کتابها) و تعیین جایگاه آنها در مسیری است که علم در آن زمینه به پیش می برد، و این وقتی ممکن است که بتوانیم از نقطه نظر استنادی، آنها را ارزیابی کنیم.

در واقع، تمام پایگاه های استنادی از قبیل اسکوپوس برای همین طراحی شده است تا شما بتوانید مقاله و مجله ای را ارزیابی کنید که چه جایگاهی دارد.

اساس این روش در این است که مقالاتی معتبرند که بیش از همه محل ارجاع دیگران واقع شده و محل استناد قرار گرفته اند. در واقع، از نظر کمی، به تعداد دفعاتی که به یک مقاله ارجاع داده شده، آن مقاله ارزیابی می شود. طبیعی است که این روش، قواعد بسیار ریزی می تواند داشته باشد که یکی از مهم ترین آنها، بازه زمانی است که در باره استنادی بودن آن در نظر گرفته می شود، زیرا یک مقاله از زمان تولد، بالندگی و مرگ، می تواند مراحل مختلفی را در توسعه کمی تأثیرگذاری خود داشته باشد.

در حال حاضر، بزرگترین پایگاه اطلاعاتی برای مقالات در کشور، نورمگز است. دهها پایگاه دیگر، ایجاد و بسرعت مضمحل شده و یا گرفتار مشکل مالی شده و نتوانسته کاری انجام دهد. پایگاه نورمگز با بیش از یک میلیون مقاله، از نشریات عربی و فارسی قدیمی تاکنون ساخته شده است. بیشترین مقالات آن در حوزه علوم انسانی است و تعدادی هم در حوزه معماری و هنر و سلامت. این پایگاه به جز نشریات در حال نشر که با آنها توافقنامه دارد، اغلب به صورت غیررسمی و بی مجوز از مجلات قدیمی یا نسبتاً قدیمی و عربی معاصر، مقاله گذاشته است. در باره نشریات عربی جاری خارج از کشور هم بدون مجوز از روی وبسایت آنها برداشته می شود. این مسیری است که گرچه فعلاً کمک به پژوهش می کند، اما در آینده راه به جایی نبرده و امکان ورود در عرصه های بین المللی را مشکل می کند. در این پایگاه کار استنادی و ارزیابی صورت نمی گیرد، اما کار پردازش دیتاها تا حدی و بیشتر لفظی در آن انجام می شود، به طوری که مقاله هایی با تعبیرهای مشابه آنچه را جستجو کرده ایم، به جستجوگر پیشنهاد می کند. موتور جستجوی سُلار در این پایگاه استفاده شده و توسعه ای هم در آن داده شده تا متن های فارسی را هم با روش های خود اصلاح کند. این موتور علاوه بر غلط گیری برخی از کلماتی که سرچ می شود، نوعی دسته بندی مطالب را هم باز در چارچوب لفظی دارد. الگوی این پایگاه JSTOR.ORG است، اما برای تکمیل از پایگاه های دیگر هم استفاده شده است.

مع الاسف به جز این پایگاه، چند پایگاه دیگر هست که از معیارهای علمی برخوردار نبوده، و از لحاظ کمی هم محتوای مهمی ندارند. نمونه آن تبیان است که صرفاً به عنوان انبانی از مقالات در حوزه های مختلف بوده و بیشتر راهنمای عوام مردم و مراجعین عمومی است.

امروزه در جهان علم، پایگاه های اطلاعاتی بزرگی وجود دارد که بخش عمده ای از جریان تولید علم را طراحی می کنند. در حوزه مقالات به صورت متن کامل، پایگاهی مانند الزویر Elsevier، اسپرینگر Springer، یا ساینس دایرکت Scindirect، و در حوزه استنادی پایگانی مانند اسکوپوس Scopus فعال هستند و شما می توانید با وارد کردن نام مقاله یا مجله، میزان تأثیر آن از لحاظ علمی را معین کرده و درجه مقاله یا مجله را دریابید.

بخش مهمی از کار پایگاهها، ایجاد زمینه علم سنجی و استنادی است. در حال حاضر، برای ارزیابی استادان، و یا استخدام، مقالات آنان از این زاویه مورد بررسی قرار می گیرد. روش فعلی ارزیابی مقالات در ایران، بیشتر با نظر استادان و بررسی موردی این مقالات است، نه با استفاده از روش های علم سنجی رایج در پایگاه های استنادی. در پایگاه های استنادی، بر اساس روش های مختلف که کشورهای مختلف و نظامات رایج در ادوار مختلف طراحی کرده و می کنند، به صورت ماشینی مقالات سنجش می شود. البته که انتخاب یک استاد برای استادی، روش های دیگری مانند مصاحبه های علمی طولانی با شخص مورد نظر را دارد، اما از نقطه نظر بررسی مقالات، غالباً بر اساس معیار تأثیر و شاخص های علم سنجی و این که مقاله آن استاد چه مستنداتی دارد و چه کسانی به آن ارجاع داده اند، مورد بررسی قرار می گیرد. بررسی مقاله بر اساس نظام استنادی است که به صورت افقی و عمومی به ارزیابی یک مقاله از نظر ریشه های ارجاعی آن به مقالات درجه یک گذشته و تأثیرش به عنوان یک مرجع، برای مقاله هم عرض و بعدی صورت می پذیرد. کار استنادی در ایران را برای اولین بار قرار بود و هست تا در «پایگاه استنادی علوم جهان اسلام» ISC انجام شود. وظیفه این پایگاه مانند دیگر پایگاه های استنادی، رتبه بندی مجلات و مقالات در دنیای اسلام بود. اما در حال حاضر تا آنجا که بنده خبر دارم، از این روش، برای سنجش مقالات افرادی که پیشنهاد پست علمی به آنها داده می شود، صورت نمی گیرد و به نظر نمی رسد، کار مهمی در این بخش صورت گرفته باشد.

نکته اخیر این که چند دهه است که ایجاد پایگاه های تخصصی در حوزه علوم مختلف، به صورت یک کار جدی برای توسعه علم در آمده و به طور متمرکز روی حوزه مشخصی مانند مدیریت یا اقتصاد یا شیمی یا پزشکی یا فلسفه و غیره کار می کنند. بیشتر این پایگاه ها، تعداد قابل توجهی مجله در حوزه خود منتشر می کنند، یا با اجازه از دانشگاه هایی که این مجلات را چاپ می کنند، آنها را زیر سایه خود دارند. بسیاری از این پایگاه ها، پول های هنگفتی بابت اجازه استفاده از مقالات خود دریافت کرده و گردش مالی این پایگاه ها، رقم بسیار بالایی است. در ایران این کار، صرفاً در حد دانشگاه ها، و برخی از مراکز خصوصی که به تازگی ایجاد شده، انجام می شود. نورمگز نیز مدتی است که به فروش مقالات روی آورده اما این کار، بدون هزینه جدی برای ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی مدرن با ابزارهای هوشمند و روش های علم سنجی مدرن است.

اکنون نیاز ما به یک پایگاه جامع مقالات دینی که تحت ضوابط دقیق علم سنجی و حقوق مادی و معنوی مولفان و ناشران باشد، بسیار آشکار است. بخشی از این کار، باید به آن دلیل مورد توجه قرار گیرد که یکی از نتایج آشکارش جلوگیری از هرزنویسی در حوزه دین است. اگر اعتبار سنجی در کار باشد، مجلات زبده شناخته شده و درجه بندی شوند، و این کار با روشهای علمی به خصوص معیارهای و شاخص هایی که در نظام استنادی رایج است انجام پذیرد، می توان اطمینان داشت که ما بتوانیم در یک مدت زمان برنامه ریزی شده، از هرزنویسی در حوزه دین جلوگیری کنیم. این کار با به کارگیری فنون دقیق در حوزه کتابداری و اطلاع رسانی ممکن بوده و صرفاً با روش های قدیمی در ارزیابی ما به جایی نخواهیم رسید. رسیدن افراد در این نظام به پایه های برتر، صرفاً در گروه نگارش آثاری است که بتواند از حداقل معیارها و شاخص های پژوهشی برخوردار بوده و افرادی که در این رتبه نیستند، به تدریج از حوزه نگارش در زمینه دین، منع شوند.

در حقیقت یکی از اصلی ترین اهداف این روش، جلوگیری از کار کسانی است که ضعیف می نویسند. باید دست آنها از مجلات علمی به طور کامل کوتاه شود و دیگر پژوهشگران با اصل قرار دادن بخشی از مسائل علمی، کارهای افراد ضعیف را از دور ارجاع و استناد خارج کنند. به این ترتیب نوعی پیراستگی در علم و توسعه آن رخ می دهد.





<http://www.khabaronline.ir/detail/743436>